

کانون مدافعان حقوق کارگر

جنبش کارگری فیلیپین

از حکومت نظامی تا دیکتاتوری اقتصادی

هاله صفرزاده



فهرست مطالب :

صفحه ۳	مقدمه
صفحه ۵	نیروی کار در فیلیپین
صفحه ۶	زنان کارگر
صفحه ۷	کودکان کار
صفحه ۷	روسیگری توریسم جنسی
صفحه ۸	کارگران مهاجر
صفحه ۱۰	قانون کار فیلیپین
صفحه ۱۱	جنبش کارگری فیلیپین و مسایل آن
صفحه ۱۳	جنبش اول ماه می (KMU)
صفحه ۱۵	حزب عمل شهروندی
صفحه ۱۶	ائتلاف مترقی کارگری
صفحه ۱۶	جنبش دهقانان فلیپین (KMP)
صفحه ۱۷	آموزش کارگران
صفحه ۱۹	رابطه تشکل های کارگری ...
صفحه ۲۱	مبارزات اجتماعی و ضد امریکایی
صفحه ۲۱	رابطه کنفدراسیون های بین المللی
صفحه ۲۲	نحوه مقابله دولت فیلیپین با ...
صفحه ۲۳	نقد جنبش کارگری فیلیپین
صفحه ۲۵	زیرنو

با تشکر فراوان از تمام دوستانی که در تهیه ی این مجموعه بی دریغ همکاری نمودند.

جنبش کارگری فیلیپین از حکومت نظامی تا دیکتاتوری اقتصادی (۱)

مقدمه

فیلیپین یکی از کشورهای است که به خوبی در آن می توان مشاهده کرد چگونه سرمایه داری از ابتدای بوجود آمدن، با سلطه بر کشورهای دیگر و غارت منابع آنان بزرگ و بزرگتر شده است. استعمار، هجوم و اشغال نظامی و به دنبال آن سیاست های اقتصادی سرمایه داری و نولیبرالیسم در مسیری ۵۰۰ ساله (از سال ۱۵۱۹ که کشتی ماژلان به دنبال ادویه، در جزایر فیلیپین لنگر انداخت تا کنون) صدمات بسیار جدی به این کشور و مردم آن وارد کرده است.

فیلیپین از سال ۱۵۹۸ تا ۱۸۹۸ مستعمره اسپانیا بود و از زمان حمله امریکا به فیلیپین در سال ۱۸۹۹ تا به امروز شاهد حضور نظامی امریکا بوده است. فیلیپین منطقه ای است که نیروهای امریکا در جنگ جهانی اول و دوم و حمله به ویتنام از آن استفاده کردند. شاید امریکا در سال ۱۹۹۱، در ظاهر پایگاه های نظامی خود را برچیده باشد، اما هنوز پایگاه های صحرایی خود را حفظ کرده و ارتش و نیروهای سرکوبگر فیلیپینی را تعلیم می دهد. در بستر چنین فضایی رشد نیروی های ضدامپریالیست و ضداستعمار جزء جدایی ناپذیری از مبارزات جامعه مدنی فیلیپین است تا جایی که این مبارزات آزادی بخش در تمام بخش ها و به خصوص جنبش کارگری تأثیر داشته است. (۲)

جهانی سازی و گسترش اقتصاد نئولیبرالی مکتب شیکاگو میلتون فریدمن جز رشد فقر، زاغه نشینی، نبود بهداشت، محروم شدن بسیاری از کودکان از تحصیل و بی آیندگی دانشجویان فارغ التحصیل از دانشگاه های فیلیپین، نتیجه ای نداشته است. فاصله ی طبقاتی به شکاف طبقاتی تبدیل و مردم فیلیپین نیز مانند سایر کشورهای جهان به درصد بسیار کوچک میلیونرها و اکثریت وسیعی از فقرا تقسیم شده اند. این شکاف به حدی است که نه فقرا حق دارند به محله های پولدارها بروند و نه پولدارها جرأت رفت و آمد در مناطق فقیرنشین را دارند. اکنون درآمد سرانه در فیلیپین ۳۵۰۰ دلار و تولید ناخالص داخلی آن ۳۵۱ میلیارد دلار است. بیش از ۵۰ درصد کل دارایی های کشور در کنترل ۱۵ خانواده است.

اولین نطفه های سیاست های نئولیبرالی در فیلیپین با سیاست های اقتصادی مارگارت تاچر و رونالد ریگان مبنی بر بازار آزاد، خصوصی سازی، از بین بردن هر چه بیشتر تعرفه گمرکی و پایین آوردن دستمزد در دهه هشتاد میلادی آغاز شد. مالیات ورود کالا از ۴۳ درصد در سال ۱۹۸۰، به بیست و پنج درصد در سال ۱۹۸۶ کاهش یافت تا جایی که در اوایل دهه ۹۰ واردات فیلیپین ۳۰۷ درصد افزایش پیدا کرد. (۳) همه ی اینها درحالی است که با وجود وسعت کم، منابع قابل ملاحظه ی نیکل، کبالت، نقره، طلا، نمک، مس در آنجا وجود دارد.

تصویب و اجرای قانون ۸۷۴۸ مناطق آزاد تجاری، از سال ۱۹۹۵ به بعد، دست انحصارات خارجی را برای کسب سود بیشتر در جامعه فیلیپین باز گذاشت. طبق آمار رسمی سال ۲۰۱۰، در فیلیپین ۲۰۰ منطقه آزاد تجاری فعالیت اقتصادی می کنند که بیشتر در مرکز و جنوب فیلیپین متمرکزند. (۴) در چند دهه اخیر نظریه P۳ (Public Private Partnership) به معنی مشارکت خدمات عمومی- خصوصی در تمامی دنیا نفوذ پیدا کرده، در فیلیپین نیز ریشه دوانده است تا جایی که دولت برای جذب سرمایه خارجی از بهداشت تا آب مورد استفاده مردم را نیز به شرکت های خصوصی واگذار کرده است. (۵)

دولت با تصویب قانون ۸۱۷۸ مالیات بر واردات مواد کشاورزی را لغو کرد. قانون ۸۱۷۹ به سرمایه گذاران خارجی اجازه می دهد تا صد درصد در نهادهای اقتصادی کوچک تا ۵ میلیون پروز سرمایه گذاری کنند. در قانون قبلی این میزان ۲۰ میلیون پروز بود که به معنی این است که آنها می توانند نهادهای اقتصادی متوسط با حدود ۵۰ کارگر تاسیس کنند. قانون ۸۱۸۰ اجازه می دهد که خارجی ها بتوانند در بخش نفتی سرمایه گذاری کنند. مطابق قانون ۸۱۸۱ مالیات بر مصرف حذف شد. همچنین قانون به شرکت های خارجی اجازه می دهد بانک تاسیس کنند، زمین را برای استفاده ۲۵ تا ۵۰ سال اجاره کنند و معادن جدید را برای استخراج در اختیار بگیرند. (۶) تمامی موارد

ذکر شده با دخالت مستقیم سازمان تجارت جهانی، بین‌المللی پول و در ازای میلیون ها بدهی به این نهادهای بین‌المللی است. مطابق گزارشاتی که در رابطه با خصوصی سازی های فیلیپین منتشر شده، این قوانین در اوایل دهه دو هزار، سی درصد حقوق بگیران را به زیر خط فقر کشاند.

بدترین نوع استثمار در مناطق آزاد تجاری وجود دارد. این مناطق بیشتر شبیه پایگاه های نظامی هستند تا کارگاه های تولیدی. در آنجا نه قانون کار وجود دارد، نه حداقل حقوق پرداخت می شود و نه به مسایل ایمنی کارگر رسیدگی می شود. هر گونه مبادله ای آزاد است. منطق حاکم بر محیط کار، تولید بیشتر با کمترین هزینه است. لباس، لوازم الکترونیکی، دارو، محصولات و ابزار کشاورزی و وسایل انبارداری از جمله تولیدات این مناطق است. گاه تا صد درصد این واحدها در مالکیت شرکت های بزرگ خارجی است. هر چند در سال های اخیر بسیاری از کارگاه های تولید لباس در مناطق آزاد تجاری فیلیپین به خاطر استفاده از نیروی کار ارزان تر به کامبوج، ویتنام و چین منتقل شده اند. (۷)

بسیاری از اقتصاددانان در دهه ۱۹۶۰ فیلیپین را از لحاظ اقتصادی مترقی ترین کشور در جنوب شرق آسیا می دانستند، اما فیلیپین اکنون با بدهی های کلان مواجه است و در دو دهه گذشته هیچ پیشرفت اقتصادی نداشته است. فیلیپین، یکی از بالاترین نرخ های بیکاری را (حدود ۲۰ درصد) در آسیا دارد. ۳۰ درصد از نیروی کار فیلیپین دارای مشاغل کاذب در بخش غیررسمی و بیش از ۴۰ درصد از خانوارها فاقد سرپناه مناسب و مواد غذایی کافی هستند. کشوری که از صادرکنندگان برنج بود، در حال حاضر واردکننده برنج و مواد غذایی شده است. خصوصی سازی، کاهش شدید خدمات آموزش عمومی، بهداشتی و پزشکی و افزایش مالیات، فقر و اقشار پایین طبقه متوسط را تحت تاثیر قرار داده است. بازپرداخت بدهی های خارجی فیلیپین در سال ۲۰۰۵ بیش از ۳۰ درصد از بودجه کشور را شامل می شد. کارگران بسیاری که نمی توانند شاهد گرسنگی خانواده خود باشند، حاضر شده اند به عراق رفته و کارهای پست و جزئی را برای ارتش امریکا انجام دهند.

در یک نگاه کلی، در طول تاریخ چهل سال گذشته، جامعه فیلیپین با سرکوب عریان نظامی و اقتصادی روبرو بوده است که از یک طرف کشتار بسیاری از فعالان اجتماعی، آوارگی صدها هزار فعال مدنی و مهاجرت ده درصد نیروی کار به خارج از فیلیپین را به همراه داشته و از سوی دیگر وضعیت اقتصادی نابسامانی را به جا گذاشته که توان رقابت با دیگر کشورهای همجوار را ندارد. بالا رفتن قیمت مواد سوختی جامعه فیلیپین را با بحران روبرو کرده است.

اینها مشخصه هایی است که سبب شده بوش در طول سفرش به فیلیپین در اکتبر ۲۰۰۳، از این کشور به عنوان "مدل دموکراسی" برای بازسازی عراق نام ببرد!!!

نیروی کار در فیلیپین

تقریباً نیمی از نیروی کار موجود در فیلیپین (چهل میلیون نفر) در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند. محصول عمده این بخش، برنج است. الوار و چوب نیز از دیگر محصولات این بخش هستند که صادرات جدی به جنگل های این کشور زده است. از صنایع بزرگ دیگر می توان به صنایع نساجی، مواد غذایی، داروسازی، تاسیسات برق و صنایع دستی اشاره کرد. بخش گردشگری (بیشتر توریسم جنسی) هم نقش مهمی در رونق اقتصاد فیلیپین دارد. اقتصاد فیلیپین به شدت وابسته به ارز خارجی است که هر کارگر فیلیپینی ساکن خارج از کشور برای خانواده خود می فرستد.

در سال ۱۹۹۴ جمعیت فیلیپین تقریباً ۷۰ میلیون نفر بود، این رقم در سال ۲۰۱۱ به حدود ۱۰۲ میلیون رسید. رشد سریع جمعیت و

بیکاری تا حدی است که ۶۰ درصد از مردم از گرسنگی رنج می‌برند و حدود ۴۰ درصد زیر خط فقر زندگی می‌کنند. دستمزد دریافتی که بین سه تا هفت دلار در روز است، کفاف ابتدایی‌ترین امکانات زندگی را هم نمی‌دهد و بسیاری از محرومان مجبورند در سه شغل متفاوت مشغول به کار باشند. اکثر آنان در بخش غیر بومی و غیررسمی مشغول به کار هستند و کارهایی مانند حمل بار با سه چرخه، مسافركشی با ماشین، دستفروشی، کشاورزی، کارهای خطرناک و بدون ایمنی کار و ... را انجام می‌دهند. اکثر قراردادهای کار ۹۰ روزه است. بسیاری از شرکای کمپانی‌های خارجی در فیلیپین مانند شرکت‌های ژاپنی، امریکایی، کره جنوبی و (۸) چینی از کارگران موقت استفاده می‌کنند و بسیاری از این کارگران با واردات کالاهای ارزان تر روسی و چینی، مدام در خطر اخراج و بیکاری هستند.

میانگین تعداد کودکان در هر خانواده پنج تن است، البته خانواده‌هایی با ۱۱ تا ۲۴ کودک نیز مشاهده می‌شود. همانطور که اغلب رخ می‌دهد، یک مرد صاحب دو، سه یا حتی چهار همسر است و از هر همسر تعداد پنج فرزند دارد که از هیچ کدام حمایت نمی‌کند. نینوتچکا روسکا، روزنامه نگار و فمینیست فیلیپینی این مساله را ناشی از میراث قدرتمند هجوم، اشغال و استعمار می‌داند. به نظر او فنودالیسم افراطی کلیسای کاتولیک با ریشه اسپانیایی که حکم می‌کند افراد، به ویژه زنان، نمی‌توانند بدن خود را، مخصوصاً در رابطه با تولید مثل کنترل نمایند؛ همینطور سرمایه‌داری افراطی ایالات متحده که همه چیز حتی افراد و به ویژه زنان را به کالا تبدیل می‌کند در تداوم این روند موثر است. (۹)

افزایش در رشد جمعیت با افزایش خرید و فروش افراد، به ویژه زنان، هم در بازار کارگری بین‌المللی و هم در بازارهای جنسی همراه است.

زنان کارگر

اکثریت کارگران فیلیپین را مردان تشکیل می‌دهند اما از سال‌های آخر قرن بیستم بر تعداد زنان کارگر افزوده شده است. اغلب زنان به صورت روزمزد و کوتاه مدت استخدام می‌شوند. کارفرماها ابتدا آنان را به مدت ۶۵ روز استخدام می‌کنند اما در صورت رضایت از کار، مدت خدمات آنها سه ماه دیگر تمدید می‌شود و این روند گاهی تا چند سال ادامه دارد. (۱۰)

زنان ۶۲ درصد از نیروی کار غیررسمی در فیلیپین را تشکیل می‌دهند. بیشتر این زنان به دستفروشی، فروش غذاهای آماده و خدمات مشغولند. در فیلیپین ۱۴ درصد خانواده‌ها توسط زنان سرپرستی می‌شود و تنها ۱۰ درصد از اعتبارات رسمی به زنان تخصیص می‌یابد. اگرچه عضویت زنان در اتحادیه‌های کارگری طی دهه گذشته از ۳۹ درصد به بیش از ۴۳ درصد افزایش یافته، اما آنان هنوز در سطح رهبری اتحادیه فعالیت ندارند. (۱۱)

کودکان کار

در چنین شرایط نابسامان اقتصادی، بالا بودن میزان زاد و ولد، سبب شده که تعداد کودکان کار افزایش یابد. این نکته ای است که مدیر هیات رئیسه مرکز بهداشت و ایمنی حرفه‌ای فیلیپین به آن اذعان دارد. وی بهره‌کشی و استثمار به شکل پرداخت دستمزدهای بسیار پائین و ساعات کار طولانی و همچنین بیمه نکردن کودکان کار را از مشکلات این کودکان به شمار می‌آورد. کار کودکان و نوجوانان، همواره با ریسک بالایی از خطرات و حوادث، عامل ترك تحصیل بسیاری از این کودکان است. (۱۲)

در فیلیپین در سال ۱۹۹۴ قانون منع کار کودکان تصویب شده است اما مانند بسیاری از کشورهای منطقه هنوز هزاران کودک خیابانی وجود دارند و ده درصد تن فروشان کودکان هستند. در ۱۵ سال گذشته نهادهای زنان در مبارزه در این عرصه نقش مهمی داشته‌اند. (۱۳)

روسپیگری توريسم جنسی

نمی توان به کار کودکان و زنان در فیلیپین اشاره کرد و از روسپی گری حرفی به میان نیاورد. روسپیگری میراثی به جا مانده از استعمار اسپانیا و اشغال نظامی امریکا است. آمارهای تخمینی از وجود ۳۰۰ هزار زن و ۷۵ هزار روسپی خردسال در فیلیپین خبر می دهند. در گزارش دیگری آمده است از حدود ۲۰۰ هزار کودک خیابانی فیلیپین، ۶۰ هزار نفر آنها به تن فروشی نیز می پردازند. برخی بررسی ها نشان می دهد که طی یک سال یک کودک روسپی، خدمات جنسی اش را به ۲۰۰۰ نفر می فروشد. (۱۴)

تا قبل از ورود اسپانیایی ها، تن فروشی در فیلیپین ناشناخته بود و هیچ واژه بومی برای آن وجود نداشت. در فیلیپین از لفظ "پوتا" (روسپی) استفاده می شود که کلمه ای اسپانیایی است. در سال ۱۹۰۰ سرشماری نشان می دهد که در شهر مانیل تنها ۱۱ زن تن فروشی می کردند که چهار تن از آنان خارجی بودند.

در فیلیپین "تفریح و سرگرمی"؟! کانال عمده فحشاست و مقامات حکومتی از صادرکنندگان زنان و استثمارگران جنسی داخل کشور حمایت می کنند. علاوه بر این، تایید و حمایت دولت از برنامه ی R و R برای نیروی دریایی امریکا، سبب ایجاد نوعی سیستم فحشای ویژه نظامیان شده است. در اوایل ۱۹۰۰ به واسطه حضور ارتش ایالات متحده روسپی گری در مقیاسی وسیع پایه گذاری و سازماندهی شد. ارتش ایالات متحده قانونی را به تصویب رساند که براساس آن "خانه های فساد" جهت "محافظت" از گروهان امریکایی در مقابل بیماری های مقاربتی تأسیس شد. در اواخر سال ۱۹۴۰، ارتش ایالات متحده به پایگاه کلارک ایر فرمان داد تا برای سرگرمی گروهان تعداد ده خانه فساد تأسیس نمایند و از کشورهای مجاور زنانی را در اختیار سربازان امریکایی قرار دهند. (مانند شهر فرشتگان در پامپانگا).

در طی جنگ ویتنام، یک مرکز "استراحت و سرگرمی" برای گروهان امریکایی طراحی شد و روزانه ۱۰,۰۰۰ سرباز امریکایی در این مرکز سرگرم استراحت و خوشگذرانی بودند. تعدادی از زنان فیلیپینی (حدود ۷۰۰۰ نفر) نیز به سایر پایگاه های امریکا در اوکیناوا و کره جنوبی فرستاده شدند. مالک درصد وسیعی از این گونه تأسیسات، گروهان ها، مقام های امریکایی و یا نیروهای پیشین ارتش ایالات متحده هستند. با پشتیبانی بانک جهانی از سیاست دولت فیلیپین در رابطه با توسعه "گردشگری"؟! و نیاز به پرداخت وام های کلان جهت تأسیس زیرساخت ها برای "گردشگری"، تصمیم ساده دولت این بود که زنان فیلیپین را به فروش برسانند. البته کلیسای کاتولیک در این رابطه هیچ چیز نگفت و یا خیلی کم بدان پرداخت. (۱۵)

تا سال ۱۹۹۲ پنجاه هزار کودک بی پدر به دنیا آمدند که زنان روسپی فیلیپینی موفق به سقط کردن آن ها نشده بودند. اغلب این کودکان بار دیگر به چرخه توريسم جنسی بازگردانده می شوند و یا به گروه های قاچاق انسان فروخته می شوند. بر اساس آمار بانک جهانی، فیلیپین یکی از ده کشوری است که دارای بیشترین مادران نوجوان است، علی رغم غیرقانونی بودن سقط جنین، در فیلیپین سالانه ۵۰۰,۰۰۰ سقط جنین صورت گرفته است.

همه ی اینها در حالی است که تن فروشی در فیلیپین غیرقانونی است.

کارگران مهاجر

سیاست اقتصادی نولیبرالیستی سبب شد که نزدیک به ده میلیون کارگر خارج از کشور کار کنند. حدود دو میلیون شهروند فیلیپینی در کشورهای حوزه خلیج فارس کار می کنند. نزدیک به بیست تا صد هزار زن و کودک در کشورهای عربی به تن فروشی وادار شده اند

(۱۶) یا به عنوان مستخدم به انجام کارهای خانگی مشغولند.

فیلیپین یک چهارم از نیروی ناوگان بازرگانی دنیا را داراست. این افراد در هر نوعی از کشتی خدمت می‌کنند، از کشتی‌های سفری گرفته تا تانکرهای نفت. فیلیپینی‌های مهاجر سالانه از کارکردشان حدود ۲۰ میلیارد دلار به کشورشان می‌فرستند.

در این میان تعداد زنان کارگر مهاجر افزایش یافته و بیش از مردان شده است. زنان فیلیپینی سالانه بین ۶ تا ۷ میلیارد دلار پول به خانه می‌فرستند، یعنی تقریباً نصف هزینه ملی آن کشور. نسبت زنان کارگر مهاجر به مردان در فیلیپین ۱۲ به ۱ است.

فقط دولتمردان فیلیپین نیستند که از حاصل کار کارگران مهاجر سود می‌برند، این کارگران برای قاچاقچیان، آژانس‌های مسافرتی، خطوط هواپیمایی، دستفروشان و حتی سفارت‌ها و ... درآمد و ثروت تولید می‌کنند. برای مثال، سفارت ایالات متحده در مانیل برای هر فرم صدور ویزا مبلغ ۱۰۰ دلار دریافت می‌کند. تعداد یک میلیون از این فرم‌ها تکمیل شده است و این یعنی ۱۰۰ میلیون دلار ناقابل از یک تردد ظاهراً قانونی. (۱۷)

شرایط کار این کارگران و به خصوص زنان کارگر مهاجر در همه جای دنیا تقریباً شبیه است و استثمار شدیدی را متحمل می‌شوند. گزارش‌های بسیاری از وضعیت این کارگران تا به حال منتشر شده است. در اکثر موارد پاسپورت و مدارک این کارگران توسط کارفرمایانشان ضبط می‌شود. دستمزدهای آنان بسیار اندک در حد ۱۲۰ تا ۲۰۰ دلار در ماه است. شرایط کار آنان بسیار دشوار، ساعات کار بسیار طولانی، محل‌های سکونت نامناسب و با حداقل امکانات زندگی همراه با ضرب و شتم و خشونت جنسی است.

”لیزا یکی از ۶۰ خدمتکار خانگی است که به کنسولگری فیلیپین در امارات متحده عربی در دبی پناهنده شده است. او عنوان می‌کند که خانواده صاحب‌کارش او را ابله صدا می‌کردند، مجبورش می‌کردند تا پاسی از شب گذشته کار کند، تا دو ساعت بعد از نیمه شب پاهای آنها را ماساژ بدهد و راس ساعت شش صبح هم صبحانه‌شان را آماده کند. با این همه پس از شش ماه کار، لیزا هیچ حقوقی دریافت نکرد. به گفته سرکنسول فیلیپین از حدود دویست هزار فیلیپینی که در امارات مشغول به کارند، حدود سی و شش هزار نفر آنها خدمه خانگی هستند.“ (۱۸)

بسیاری از این زنان گول خورده‌اند.

”یک زن فیلیپینی که از ترس کارفرمای عراقی، خود را تنها با نام کوچک کیکای معرفی کرد، گفت که او و یک زن جوان دیگر تصور می‌کردند برای کار در یک رستوران با دستمزد ماهی ۶۰۰ دلار به کردستان می‌روند که جایی نزدیک یونان است. او گفت: در فیلیپین به ما گفتند قرارداد در دبی بسته می‌شود. در دبی مامور آژانس گفت قرارداد در فرودگاه است. در فرودگاه چمدان‌های ما را قاپیدند و زیر دستگاه گذاشتند و سر ما داد زدند که بروید، قراردادتان در کردستان است. ما قاطی کرده بودیم و نمی‌دانستیم باید چه بکنیم.

در سلیمانیه یک مامور از آژانس کاریابی ما را در فرودگاه ملاقات کرد. او اسلحه داشت و با ماموران اداره مهاجرت و پلیس دوست بود. آنها پاسپورت‌های ما را گرفتند و به خانه‌ای بردند. ما بسیار ترسیده بودیم و نمی‌دانستیم آنها چه می‌گویند. سپس زنی با قراردادی آمد که نشان می‌داد در ازای کار در هتل ماهی ۲۰۰ دلار به ما می‌دهند و اگر آنجا را ترک کنیم باید دوهزار دلار برای پس گرفتن پاسپورت بدهیم.

آنها گرسنه و سرمازده، در حالی که در سرمای زمستان تنها یک تی شرت به تن داشتند، قرارداد را امضا کردند. حقوق او معادل بهره‌ی وامی است که برای آمدن به آنجا گرفته و به آژانس پرداخت کرده؛ جایی که بعدها فهمید بخشی از عراق است.“ (۱۹)

این شرایط دشوار سبب شده که تشکل‌هایی در دفاع از حقوق این کارگران مهاجر بوجود آید و اعتراضاتی نیز انجام شده است. به عنوان مثال در تاریخ ۱۲ اکتبر ۲۰۰۷ زنان خدمتکار خانگی فیلیپینی در هنگ کنگ علیه سیاست‌های دولت تظاهرات کردند.

کمیته‌ی دفاع از کارگران فیلیپینی یکی از این تشکل‌هاست. آقای پری سوری از کمیته دفاع از کارگران در کنفرانس ”کسی غیر قانونی نیست“ در دفاع از حق شهروندی مهاجرین در کانادا گفت: در فیلیپین دولت بعد از دولت، ما کارگران مهاجر را قهرمانان ملی نام می‌

گذارند، بدون اینکه هیچگاه کار جدی در دفاع از حقوقمان انجام دهند. با ورود ما به بازار نیروی کار در کشورهای مختلف ما از قهرمانان ملی کشورمان به بردگان بی مزد تبدیل می شویم.

پری اشاره کرد: وضعیت زنانی که برای خدمات خانگی از فیلیپین در سایر کشورها و از جمله کانادا مشغول به کار هستند بسیار وحشتناک است. موارد زیادی بوده که به این زنان توهین، تحقیر و تجاوز شده است. البته کمیته ما به سهم خود تا حال چندین نفر از این کارگران را از دست کارفرماهای متجاوز نجات داده است. این زنان کارگر مجبور می شوند که با صاحبخانه ها قراردادی سه ساله ببندند و طی این سه سال باید حاضر شوند به هر کاری تن دهند. شما تصور کنید در جایی که کار می کنید باید همانجا هم بخوابید، استراحت کنید و در تمام طول شبانه روز هر وقت صاحبخانه خواست باید مشغول به کار شوید. شرایط زندگی هزاران کارگر فیلیپینی در این کشور را می شود فقط با زندان ها مقایسه کرد و تازه متاسفانه دولت کانادا در دادن اقامت به این مهاجرین نهایت سختگیری را می کند و بسیاری را بعد از اتمام قراردادشان اخراج می کند.“ (۲۰)

قانون کار فیلیپین

از سال ۱۹۹۶ به بعد، برای بازگذاشتن دست دولت و کارفرما، قانون کار فیلیپین تغییرات اساسی داشته است. در قانون کار فیلیپین، کار دائم، پروژه ای، نیمه وقت، کار منعطف با شرایط آزمایشی وجود دارد. مشاغل هم وجود دارد که در بخش خصوصی حقوق بیشتر می پردازند. ساعت کار چهل و هشت ساعت در هفته است. قرارداد کار متناسب با شرایط کارفرما بسته می شود. کارگران باید روزهای تعطیل عمومی حقوق دریافت کنند.

تغییرات قانون کار اضافه کاری، حق تشکل و قرارداد رسمی را زیر سؤال برده است تا جایی که هر نوع مبارزه دسته جمعی با اخراج روبرو می شود.

هنوز برخی مواد که به نفع کارگران است، در قانون کار باقی مانده است، مانند لغو کار کودکان، غیرقانونی بودن اخراج زنان باردار (ماده ۱۳۶) و آزار جنسی در محیط کار (فصل سوم ماده ۷۸۷۷)، حداقل حقوق و پرداخت حقوق یک ماه بیشتر در سال (ماده ۱۰۲)، عدم تبعیض در استخدام (قانون ۱۱۲) تا حق تشکل سازمان جهانی کار قطعنامه ۸۷، ولی قوانین دست کارفرما را چنان بازگذاشته (۲۱) که کمتر کارگری با این وضعیت اقتصادی توان پیمودن راه در اداره کار را دارد، هرچند از لحاظ حقوقی در قانون در ارتباط با اخراج قوانینی هم باقی مانده باشد، استفاده از این قوانین در دادگاه های کار در فیلیپین هم مانند بسیاری از کشورها، گاه سال ها طول می کشد. (۲۲)

یکی دیگر از نواقص قانون کار فیلیپین، نبود ماده حمایتی از کارگران مهاجر است. سالانه ۴۵۰ هزار دانشجویان از دانشگاه ها فارغ التحصیل می شوند که بخش عمده آنها به کارگران مهاجری تبدیل می شوند که برای کار به کشورهای خلیج فارس، اروپا، هنگ کنگ، استرالیا، نیوزلند و کانادا می روند و با وجود داشتن تخصص در بسیاری از موارد در مشاغل بسیار پایین کار می کنند. این کارگران برای شکایت از کارفرما در خارج از فیلیپین، حتی در مواردی که کمپانی مادر در فیلیپین باشد، حمایت قانونی ندارند.

جنبش کارگری فیلیپین و مسایل آن

تاریخ جنبش کارگری فیلیپین تلفیقی از جنبش دهقانی و جنبش کمونیستی است. اولین نهاد دمکراتیک کارگری فیلیپین در سال ۱۹۰۲ تاسیس شد (۲۳) و دومین نهاد در سال ۱۹۳۰ توسط حزب کمونیست فیلیپین و حزب سوسیالیست فیلیپین پایه گذاری شد که طرفدار شوروی بودند.

این دو حزب در زمان جنگ با ژاپن با هم یکی شدند. بسیاری از فعالان کمونیست فیلیپین، در دهه سی در زندان های امریکایی ها در فیلیپین اسیر بودند. (۲۴)

در دهه چهل میلادی، تأثیر جنبش دهقانی بر روی جنبش کمونیستی بسیار بود. وضعیت بد معیشتی روستائیان در رادیکال کردن مبارزات کارگری تأثیر به سزایی داشت. با وجود این که دولت برای کاهش درگیری های کارگری، رفرم هایی انجام داده و روند حل اختلافات کارگران با کارفرمایانشان بهتر شده بود، ولی شرایط سیاسی موجود در جامعه جلوی هرگونه سازش مابین دولت و جریانات چپ را می گرفت. در زمان جنگ جهانی دوم، جنبش دهقانی به قیام انقلابی دهه چهل پیوست و کمونیست ها توانستند اولین نهاد کارگری را پایه گذاری کنند که به **جنبش اشتراکی کارگری** معروف شد. (۲۵) جنبش اشتراکی کارگری متأسفانه زیاد دوام نیاورد و با یک انشعاب، دو نهاد **ائتلاف کنفدراسیون کارگری** و **فدراسیون ملی کارگران** از دل آن بیرون آمد. (۲۶)

از سال ۱۹۵۰ جریانات کمونیستی ممنوع شد و بسیاری از رهبران آن دستگیر شدند. تا دهه شصت یکی از خواست های اساسی نهادهای کارگری، کم کردن دخالت دولت و لغو قانون ۸۷۵ مصوب سال ۱۹۵۳ بود که به قانون واگنر معروف شده بود. طبق این قانون که بر گرفته از قانون امریکا است، سندیکاهای کارگری باید متعهد شوند که برای سندیکا حق ثبت بپردازند. در اساسنامه ی سندیکا هم آمده که نمایندگان باید قسم بخورند ضد کمونیست هستند و يك نسخه از گردش مالی سالانه سندیکا را به دولت بدهند.

بعد از اصلاحات ارضی سال ۱۹۶۳ جنبش کمونیستی توانست فعالیت های خود را گسترش دهد و نیروهای تازه ای را عضوگیری کند، ولی در سال ۱۹۷۲ با حکومت نظامی مارکوس و لغو حق اعتصاب و سرکوب بسیار وسیع کمونیست ها، عملاً جنبش کارگری با شکست روبرو شد و در این زمان بود که دولت توانست نهادهای کارگری دولتی را گسترش دهد و حتی پای کنوانسیون های سازمان جهانی کار را، با تکیه به این نهادهای وابسته به خود امضا کند. مارکوس اتحادیه کنگره فیلیپین (TUCP) را، به مثابه ی تشکیلات توده ای در درون کارگران به منظور حمایت از دیکتاتوری به وجود آورد.

جنبش سندیکایی در فیلیپین بسیار تکه تکه، جدا از هم و پیچیده است. هشت کنفدراسیون سراسری و ۱۶۴ فدراسیون ملی و کشوری دارد که ۱۴ هزار شعبه سندیکایی دارند و بیش از ۹۴۰۰ تشکل مستقل سندیکایی کارگری به ثبت رسیده است. تشکل هایی مانند جنبش اول ماه می (KMU)، فدراسیون کارگران آزاد (FFW)، مرکز کارگری لاگاس منگاکوا (LMLC) و اتحادیه کنگره فیلیپین (TUCP).

برخلاف رشد کمی نیروی کار، تعداد اعضای نهادهای کارگری رو به کاهش است. فقط ۲۲۰ هزار کارگر با قراردادهای دستجمعی مشغول به کار هستند. دلیل آن تغییر قوانین است تا جایی که از چهل میلیون نیروی کار تنها در حدود ۵,۶ درصد در سندیکاها عضو هستند. حق عضویت در سندیکاها بسیار کم است و جواب گوی نیازهای مالی سندیکاها نیست.

سه نوع تشکل کارگری در فیلیپین وجود دارد: دولتی، مدیریتی و مستقل با گرایش چپ.

تشکل کارگری مدیریتی نهادی است که از بالا و با توافق کارفرما در وزارت کار ثبت می شود و سندیکا نام دارد ولی در اصل هیچ گونه فعالیت موثری برای کارگران انجام نمی دهد، نه شکایتی می کند و نه برای افزایش دستمزد اقدامی انجام می دهد. این نوع نهادها به سندیکاهای کاتولیک معروف هستند و در واقع فقط برای جلوگیری از رشد سندیکای واقعی، این نهاد را بوجود می آورند. فرق آن با تشکل دولتی این است که تشکل دولتی در اصل ابزار سرکوب دولت در محیط کار است و تا آنجا پیش می رود که از هر نوع حرکت اعتراضی جلوگیری می کند. نهادهای مدیریتی یکی از اصلی ترین ناقضان حقوق کارگران فیلیپین هستند. (۲۷)

در بالا اشاره ی مختصری به تشکل کارگری دولتی، کارفرمایی داشتیم. در ادامه به بررسی بخش مستقل این جنبش می پردازیم و با سه گرایش از بخش مستقل بیشتر آشنا می شویم. لازم به ذکر است که اتحادیه های مستقل مخالف مداخله امپریالیستی و سلطه امریکا و ژاپن، هم چنین موسساتی مثل صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و ... هستند. در بیشتر مواقع تشکل های مستقل با نهادهای رسمی کارگری همکاری ندارند و اکثر قریب به اتفاق آنها در مراکز تجاری مانیل، شهرهای بزرگ و در مناطق مرزی و مناطق آزاد تجاری فعالیت می کنند.

جنبش اول ماه می KMU

KMU که به جنبش اول ماه ترجمه می شود، در اول ماه ۱۹۸۰، در دوران دیکتاتوری مارکوس تاسیس شد. این هفتمین تشکیلات اتحادیه ای بود که در آن زمان ۳۵ هزار نفر عضو را تحت پوشش قراردادهای دسته جمعی قرار می داد، به علاوه ۱۵ هزار نفر نیز بدون قرارداد دسته جمعی عضو این تشکل بودند. پس از ده سال، این جنبش توانست در اول ماه می ۱۹۸۹ برای افزایش ۲۵ پروز به حقوق کارگران بیست هزار نفر را به خیابان بیاورد و اعضای این اتحادیه به ۳۵۰ هزار عضو زیر پوشش قراردادهای دسته جمعی و ۴۰۰ هزار کارگر دیگر بدون پوشش قراردادهای دسته جمعی رسید. (۲۸)

کریسپین بلتران Crispin Beltran، رهبر KMU به دستور اکینو در سال ۱۹۸۶ از زندان آزاد شد و از طرف حزب بیان در انتخابات کاندید شد و در سال ۲۰۰۱ به نمایندگی مجلس رسید (۲۹) وی در معرفی برنامه های این نهاد چنین گفته است:

”مهم ترین ملاحظه ای را که باید در نظر داشت خصوصیت صلح جویانه و پارلمانی مبارزه ماست: ما استفاده از خشونت را برای دستیابی به اهداف مان رد کرده ایم، ما قانون اساسی جمهوری فیلیپین را راهنمای خود قرار داده و بارها وفاداری خود را به پرچم و قانون اساسی اعلام کرده ایم.“ (۲۸)

تعداد قابل توجهی از تشکل ها و رهبران درون KMU از جناح راست به KMU آمده اند. سه تا از ۱۱ فدراسیونی که اکنون عضو هستند، در اوایل فعالیت شان تشکلی زرد محسوب می شدند. لاقلاً یکی از رهبران رده بالای جنبش اول ماه می، رهبر محلی در اتحادیه TUCP بوده است.

کیم سابیس، (نئوریسین جنبش اول ماه می) یک افسر سابق امریکای در جنگ ویتنام است و در امریکا زندگی و در دانشگاه تدریس می کند. او ضدامپریالیست و مائوئیست درجه یک است. کیم از زمان بازگشت خودش از جنگ ویتنام به امریکا به یکی از مبلغان جدی مبارزه با کشورگشایی امریکا تبدیل شد. او تمامی روش هایی را افشا می کند که معروف به جنگ نرم هستند و معتقد است در نظام سرمایه داری، برای امریکا، حمایت و همبستگی بدون چشمداشت معنا ندارد، حتی در نهادهای کارگری ای که بیشتر ابزاری برای دولت های سرمایه داری هستند. این دیدگاه خط بین المللی جنبش کارگری فیلیپین را نمایان می کند.

جنبش اول ماه می سعی می کند در چند عرصه فعالیتش را در جنبش کارگری فیلیپین پیش ببرد: آموزش های کارگری و جلب حمایت وسیع بین المللی برای کمک به جنبش کارگری فیلیپین که شامل موارد زیر می شوند:

- کارهای حقوقی
- نوشتن شکایات کارگری به بخش آزادی های تشکل سازمان جهانی کار
- فراهم کردن امکانات برای کمیته های تحقیق فیلیپین، چه در زمینه آزادی فعالین کارگری که در زندان هستند و یا گرفتن خسارت برای خانواده های که ترور شده اند، حق خواهی برای کشته شدگان و مجازات عامرین آن

- آوردن هیات های تحقیق به مراکز تجارت اقتصادی آزاد در فیلیپین که قانون کار در آن رعایت نمی شود

- آوردن هیات برای آموزش حقوق کارگری به کارگران

- سازماندهی سمینار و کنفرانس کارگری در فیلیپین

- ترتیب دادن کمپین های زیادی در مورد رعایت ایمنی کار، باز گرداندن کارگران اخراجی، وضعیت سرمایه گذاری کمپانی های و

معادن بین المللی در فیلیپین تا خروج نیروهای امریکای از فیلیپین (۳۰)

چون زبان انگلیسی همانند زبان مادری در فیلیپین رایج است، فعالان جنبش اول ماه توانسته اند در سازمان جهانی کار بسیاری از موارد قانونی و نوشتن شکایات را خودشان انجام بدهند و از حمایت خوب بین‌المللی برخوردار شوند.

جنبش اول ماه می در مناطق آزاد تجاری بسیار فعال است و از طریق مشاوره و آموزش توانسته حق و حقوق کارگران را بالا ببرد ولی به خاطر تاکتیک های بسیار رادیکال، همیشه زیر ذره‌بین قرار دارد و در مناطق روستایی و کوهستانی که معادن زیادی در آنجا وجود دارد، هم نیرو دارند. فعالان آن در مناطق روستایی به خاطر فعالیت های مسلحانه همیشه با اتهام حمایت از جنبش چریکی روبرو هستند و تعدادی از اعضا و حتی وکلای شان برای این جرایم در زندان بسر می برند. **جنبش اول ماه می** بارها تکذیب کرده که بخشی از جبهه حزب کمونیست فیلیپین است. تعدادی از رهبران **KMU** به اتهام "خرابکاری" دستگیر و بازداشت شده اند.

کریسپین بلتوان مسئول **KMU** در این مورد چنین گفته است: "این مساله واقعیت ندارد: حزب کمونیست فیلیپین برنامه خودش را دارد. بخش قابل توجهی از آن شبیه برنامه ماست، اما در مجموع با برنامه ی ما متفاوت است." (۲۸)

در بین فدراسیون های گوناگون **KMU** طیفی از سیاست های گوناگون وجود دارد. اتحادیه های عضو از این حق برخوردارند که از شرکت در حرکت های اعتراضی بزرگ **KMU** امتناع کنند، هر چند امتناع به طور واضح تشویق نمی شود. (۳۱)

حزب عمل شهروندی (۳۲)

این حزب که به اکبایان معروف است در سال ۱۹۹۸ تاسیس شد. این حزب توسط کسانی تاسیس شده است که از جنبش اول ماه می انشعاب کرده اند. این انشعاب بعد از اعتراضات میدان تی آن من چین شکل گرفت. در رهبری جنبش اول ماه می، بر سر محکوم کردن دولت چین اختلاف وجود داشت. رهبری تن به این حرکت نداد و تعداد بسیاری را از این نهاد اخراج کرد و حتی در تمامی اسناد، نام دبیر کل مؤسس جنبش اول ماه می را حذف کرد. (۳۳)

بسیاری از کارگری و فدراسیون های کارگری جهانی از اعضای این حزب هستند. آنان در اساسنامه، خودشان را سوسیال دمکرات، سوسیال فیمنیست و طرفدار دمکراسی مشارکتی معرفی می کنند. در طول چهار انتخابات گذشته توانسته اند تعداد نمایندگانشان را در مجلس از یک نماینده با ۳۷۷ هزار رای در سال ۲۰۰۱، به دو نماینده با بیش از یک میلیون رأی در سال ۲۰۱۰ برسانند. کنگره ملی عالی ترین نهاد تصمیم گیری آن است که هر سه سال یکبار برگزار می شود. نحوه ی سازماندهی آنان تقسیمات حوزه ای است با ۱۲ بخش، هر بخش دارای شش شعبه و هر شعبه دارای سه عضو است.

جریانات دمکرات و سوسیالیستی همانند اکبایان که افرادی مانند والدن بلو بنیان گذار **مرکز جهان جنوبی** و نماینده مجلس پایه گذار آن هستند، گرایشات ضد امریکائی دارند. والدن بلودر کتاب **معمای تسلط** می نویسد: "نتایج فاجعه بار حمله تروریستی یازده سپتامبر زیاد است ولی از یاد نبریم که این حمله بدترین عمل تروریستی در تاریخ امریکا نیست آن طوری که رسانه‌های گروهی قلمداد می کنند که بیش از سه هزار کشته بر جای گذاشت، ما نباید فراموش کنیم که حمله اتمی امریکا به هیروشیما و ناکازاکی ۲۱۰۰۰۰ کشته به جا گذاشت که اکثر آن‌ها مردم عادی بودند" و...

ائتلاف مترقی کارگری (۳۴)

بخش سوم تشکل های مستقل کارگری **ائتلاف مترقی کارگری** است. **ائتلاف مترقی کارگری** نهادی است که در سال ۱۹۹۶ شکل گرفت و

فعالیتش را بر روی کارگرانی متمرکز کرده است که در بخش غیرصنعتی کار می کنند. کارگران نیمه وقت، قراردادی، بخش مواد غذایی، کارکنان و کارگران هتل ها و....

بخش عمده ای از اعضای آن جوانان هستند، زیرا آنها معتقدند که باید با کسانی کار کرد که پتانسیل کار جمعی داشته باشند. در شرایط پلیسی که هر فعالی توسط نهادهای امنیتی با زدن برجسب کمونیست، مورد آزار و اذیت قرار می گیرد، اگر نیروها آمادگی مبارزه را نداشته باشند به سختی می توان امر سازماندهی را پیش برد.

انتلاف مترقی کارگری سعی می کند با نهادهای کارگری جهانی مثل کنفدراسیون مواد غذایی ارتباط بگیرد و سیاست های ضد کارگری دولت فیلیپین را افشا کند (۱) و همزمان از افشای سیاست های امپریالیستی دول اروپایی نیز کوتاهی نمی کند. چرا که نهادهای اروپایی، آسیایی (ASEM) در دو دهه ی گذشته با حمایت های سیاسی شان از هر گونه تغییر دموکراتیک در جامعه ی فیلیپین جلوگیری کرده اند. این نهاد از دل شورای ملل آسیای جنوب شرقی (ASEAN) بیرون آمده است. (۳۵)

یکی از مهمترین فعالیت های این نهاد در اول ماه می ۲۰۱۲ بود که توانست با کمک ۴ نهاد کارگری دیگر، هزار نفر را به خیابان بیاورد. (۳۶)

جنبش دهقانان فیلیپین (KMP) (۳۷)

جنبش دهقانان فیلیپین بخش دهقانی جنبش اول ماه می است و سال ۲۰۱۲ بیست و پنجمین سالگرد تاسیس آن است که بیش از یک میلیون و سیصد هزار عضو در ۶۵ ایالت و ۱۵ منطقه دارد.

کامپی معتقد است برای تحقق چشم اندازها و اهدافش و همچنین حمایت از حقوق و منافع دهقانان، باید از اشکال مختلف و موثر مبارزه استفاده کند و این مبارزات را در ارتباط با سایر جنبش ها، سازمان های کارگری و بخش های دیگر جامعه و هم چنین در پیوند با جنبش های بین المللی می داند و خواهان همبستگی و حمایت از مبارزات دهقانان و مردم جهان علیه امپریالیسم است. این نهاد با شبکه ی آسیایی جنبش دهقانان ارتباط نزدیکی دارد که در سراسر آسیا فعالیت می کند.

کامپی همچنین پروژه هایی برای ارتقا سلامت، بهداشت، امدادسانی و همچنین تاسیس سازمان های اقتصادی برای دهقانان دارد. کی ام پی، به عنوان یک جنبش شبه نظامی دهقانان واقعی، اصلاحات ارضی واقعی و صنعتی ملی را پایه و اساس توسعه اقتصادی می داند و معتقد است تنها در کشوری مستقل از سلطه خارجی و اشغال نظامی، حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم قابل دسترسی است. از سایر اهداف این نهاد می توان به موارد زیر اشاره کرد:

تامین رفاه و خدمات عمومی برای تمامی مردم

حمایت از ماهیگیران کوچک

تامین حقوق کامل زنان و رفع تمام اشکال تبعیض، استثمار و ظلم و ستم علیه زنان و کودکان

احترام به حقوق بومیان و حق تعیین سرنوشت مردمان بومی

مزد مناسب و منصفانه برای کارگران کشاورزی در حدی که زندگی مناسبی برای آنان تامین شود

استفاده از علوم و فن آوری های جدید برای ترویج کشاورزی پایدار و حفاظت از محیط زیست

کی ام پی سازماندهی و کار آموزشی مستمر در میان دهقانان را شرط لازم برای ایجاد یک سازمان دموکراتیک توده ای قوی می داند. (۳۸)

آموزش کارگران

آموزش در جنبش کارگری فیلیپین جایگاه مهمی دارد. تمام تشکل های مستقل کارگری در این زمینه فعال هستند. مرکز همیاری کارگری (۳۹) با حمایت مالی اتحادیه های کارگری جهانی در امر آموزش و دفاع حقوقی کارگران کار می کند و کارگاه های آموزشی درمورد لزوم اعتصاب و بازگرداندن کارگر اخراجی و ... برگزار می کند. این مرکز توانسته از محل کلیسا برای آموزش های کارگری صورت رایگان استفاده کند.

نقش کلیساها در مبارزات کارگری فیلیپین موضوع مهمی است. اکثریت مردم فیلیپین کاتولیک هستند و در تمام یک قرن گذشته توانسته اند کلیساها را در کنار خود داشته باشند. کلیساها از بزرگترین اعتصاب کارگری سال ۱۹۷۵ که در کارخانه های مانیل برپا شد، حمایت کردند. از دل همین حمایت کلیساها، در سال ۱۹۸۰ جنبش اول ماه می، بوجود آمد. بسیاری از جلسات آموزشی جنبش اول ماه می در مناطق آزاد تجاری نیز در کلیساها برگزار می شود. (۴۰)

جنبش اول ماه می نیز روی برنامه های آموزشی تاکید زیاد دارد. برنامه آموزشی **KMU** شامل سه دوره متفاوت است. دوره ی اول دوره ی یک روزه کوتاهی است که آموزش پایه ای عملی در رابطه با اعتصاب به کارگران ارائه می دهد. در این دوره کارگران با حقوق و مسئولیت های اتحادیه ای و مختصر اقتصاد سیاسی آشنا می شوند و مفاهیم ارزش اضافی، امپریالیسم روشن می شود.

در دوره ی سه روزه، موارد بالا با جزئیات بیش تری مطرح می شود و کارگران مشکلات کار را مورد بحث قرار می دهند. تفاوت اتحادیه های مستقل و اتحادیه های زرد مشخص می شود. تاریخ جنبش کارگری فیلیپین و تلاش هایی که برای گسترش اتحادیه واقعی انجام شده و همچنین. طبقه کارگر و چگونگی پیوند با مبارزه برای آزادی ملی نیز مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

دوره ی سوم، اساسا بخشی از دوره ی دوم، است، اما این دوره پیشرفته تر است و چگونگی اتحاد با نیروهای سیاسی مختلفی را در بر می گیرد که برای ایجاد حکومت ملی می جنگند. نیروهایی مانند دهقانان، کارگران، ماهی گیران، زنان، فقیران حاشیه شهر، محصلان...

این دوره ها به طور رسمی در انستیتوی آموزشی و تحقیقات جهانی کارگری در مانیل رشد پیدا کرد که یک تشکیلات اساسا کلیسایی به شمار میرود. این دوره ها ابتدا در محل کار و اعتصاب برپا می شود و سپس اعضا به انستیتوی در مانیل فرستاده شده و پس از گذراندن این دوره ها دوباره به کارخانه برگردانده می شوند و بعد هم تلاش بر این است تا جایی که لازم باشد آموزش آن ها تکمیل شود.

این مراکز آموزشی در سرتاسر کشور تاسیس شده است. هر فدراسیون **KMU** و همین طور معتمدان محلی هم یک بخش آموزشی دارند، هدف آن ها آماده و قابل دسترس ساختن اطلاعات برای کارگران است.

در بعضی مناطق نیز برنامه های آموزشی مستقلی به وجود آمده است، مثل انستیتوی ویسایا برای تحقیقات و آموزش اتحادیه ای که به اتحادیه های موجود در منطقه دیپایاز سرویس می دهد.

این آموزش ها کارگران را بیرون از محل کار هم دور هم جمع می کند و این امکان را می دهد که در رابطه با خواسته ها و چگونگی رسیدن به اهداف شان فکر و بحث کنند. هم چنین این دوره های آموزشی این فرصت را فراهم می کند که با نظرات یکدیگر آشنا شوند.

این کلاس ها کارگران را تشویق می کنند که دوره های خاص خود را نیز بوجود آورند. به عنوان مثال اتحادیه ی کارگران **IGMC** که محصولات آن صادر می شود، در منطقه ی باتان برای کارگزارانش کلاسی در باره ی روابط سرمایه داری تولید در شرکت شان بر پا کرد و در طی جریان آن به این پرسش های کلیدی پاسخ داده شد که چرا تولید به این شکل ترتیب داده شده است؟ کمپانی تلاش دارد چه کار کند؟ اتحادیه برای تقویت خودش چه می تواند انجام دهد؟ و... (۲۸)

اتحادیه های کارگری بیشترین نیرویشان را در حاشیه مناطق آزاد تجاری می گذارند. در این مناطق گاه ماه ها طول می کشد تا بتوان اعتماد

کسی را جلب کرد و از وضعیت محیط کار خبری گرفت، زیرا خوابگاه کارگران نیز در خود منطقه است و تنها امکان ارتباط گیری با کارگران زمانی است که کارگران برای خرید هفتگی به شهرک های نزدیک محیط کار می آیند. این شرایط دشواری کار آموزش را چند برابر می کند.

رابطه تشکل های کارگری با تشکل های بخش های دیگر جامعه

در فیلیپین، به جز تشکل های کارگری می توان تشکل های دهقانان، ماهی گیران، زنان، فقرای حاشیه شهر و محصلان را نیز مشاهده کرد که نیازهای ویژه ی آن بخش از مردم را نمایندگی می کنند. میان این تشکل ها ارتباط مناسبی وجود دارد که به آنها امکان فعالیت های مشترک را می دهد. اعتصاب عمومی یا مردمی یکی از این تاکتیک هاست که به اسم ولگانگ معروف شده است.

این نوع اعتصاب ها بسیار قوی تر از **اعتصاب عمومی** در کشورهای صنعتی است. در یک **اعتصاب مردمی** کارگران هم اعتصاب می کنند، به علاوه، تمام حمل و نقل متوقف می شود، همه ی مغازه ها و دکان ها بسته می شوند، تمامی اعضای جامعه به قصد جلوگیری از کار، باریکادهایی ایجاد می کنند تا وسایل نقلیه خصوصی که به کار ادامه می دهند، متوقف شوند و یا مانع کسانی شوند که می خواهند اعتصاب کارگران را بشکنند.

اولین اعتصاب مردمی در شهر دارا تر در میندانائو در سال ۱۹۸۴ اتفاق افتاد. عمده ترین فعالیت های اقتصادی در نتیجه ی عمل هماهنگ شده ی مردم در پاسخ به درنده خوئی و عملیات افزایش یابنده ی نظامی در این جزیره، از کار افتاد. دو اعتصاب مردمی در دو جزیره دیگر، در طول سال های ۱۹۸۵ برپا شد که در اعتراض به نظامی شدن این جزایر بود. سومین اعتصاب مردمی با موفقیت همراه بود تا حدی که فرماندار نظامی جزیره، از رهبران اعتصاب خواست که به آن پایان دهند، اما آن ها اعلام کردند: "وقتی به تمام هدف های مان رسیدیم به اعتصاب پایان می دهیم. این اعتصاب مردمی سه روز طول کشید.

چگونه این تاکتیک رشد پیدا کرده است؟ در جریان اعتراضات صنفی کارگری، تشکل های زنان، کشاورزان و ...، رهبران این تشکل ها دریافته اند که تلاش آنان در پیروزی برای خواسته های ویژه شان دست آورد ناچیزی دارد. از این رو طی مذاکراتی تلاش کردند که به راهکار مشترکی برسند. نتیجه ی تلاش های آن ها، اعتصابات عمومی بود که سازماندهی آن بسیار مشکل است، اما وقتی آغاز می شود به طور غیر قابل باوری قدرت خود را به نمایش می گذارد.

جنبش اول ماه می، در چارچوب یک اتحاد ملی به نام بایان، یا اتحادیه جدید میهن پرستان متشکل شدند. بایان، که به معنی **خلق** یا **سرزمین** است در سطح ملی متشکل شده و در بیش تر مناطق شهری در سراسر کشور دارد.

اعتصاب مردمی قابل توجه دیگری در استان باتان در مخالفت با ساخت نیروگاه اتمی در سال ۱۹۸۵ رخ داد. این نیروگاه در دامنه ی آتشفشان و در منطقه ی زلزله خیز ساخته شده بود و هدف از ساختن آن رساندن برق به پایگاه های امریکایی و به منطقه ی صادراتی در ماری ولز بود. این اعتصاب با چندین تظاهرات بزرگ آغاز شد. بزرگ ترین آن يك اعتصاب سه روزه بود. فعالیت ۸ شهر به حالت توقف درآمد. تمام بانک ها، مغازه ها، مدارس، وسایل حمل و نقل عمومی، مشاغل خصوصی و ادارات دولتی بسته شد. حتی قایق های ماهی گیری در بنادر محلی، از رفتن به دریا امتناع کردند. کارگران مناطق صنعتی آزاد تجاری، مناطقی که کارخانجات چندملیتی در آن قرار دارد، دو روز بیرون آمده و راهپیمایی کرده و به اعتصاب پیوستند. کارگران تمام راه های را مسدود کردند که به نیروگاه منتهی می شد و با ماشین های نظامی درگیر شدند.

اعتصاب دیگری در ماه اگوست ۱۹۸۷ در پاسخ به افزایش قیمت نفت توسط دولت آغاز شد. این اعتصاب، بیش از ۹۵ درصد کشور را به حالت تعطیل درآورد و تنها با توسل به کودتا توانستند به آن خاتمه دهند. پس از اعلام برنامه برای اعتصاب مردمی دیگر و قبل از این که آن اعتصاب بتواند در دسامبر ۱۹۸۹ شروع شود، کودتای بعدی شکل گرفت. (۲۸)

مبارزات اجتماعی و ضد امریکایی و جنبش چریکی و تاثیر آن بر جنبش کارگری و رابطه ی آن با کارگران و..

جنبش چریکی فیلیپین با سابقه بیش از شش دهه ، در بخش نظامی حزب کمونیست در فیلیپین در دهه چهل میلادی فعالیت اش را آغاز کرد. (۴۱)

سپس ارتش خلق نو از سال ۱۹۶۹ در بخش های جنوبی فیلیپین شروع به فعالیت کرد. هر چند در یک دهه ی گذشته فعالیت نظامی آن ها کم شده اما همانند جریانات نیپال در جنبش اجتماعی فعال هستند. این جنبش در اوایل دهه هشتاد ۲۵۰۰۰ نیروی رزمنده داشته که در دهه گذشته به ۵۰۰۰ نفر رسیده اند. نمی توان گفت نیروی ارتش خلق در جریانات کارگری علناً وجود دارند، چرا که فعالیت آن ها در نهادهای کارگری برای فعالان کارگری خطر امنیتی بوجود می آورد و رژیم تا به حال بسیاری از آنها را به همین اتهام در زندان نگه داشته است. گاه نیز نزدیکی نظری بسیاری از فعالان کارگری به آن ها برایشان در دسر ساز بوده است. در مناطق کوهستانی و کشاورزی جریانات متمایل به گرایشات چریکی در سازماندهی کارگری نقش دارند و در بخش معادن توانسته اند جلوی سواستفاده شرکت های چند ملیتی از کارگران را بگیرند، شرکت هایی که با سرمایه کم معادن مس، آلومینیوم، روی و طلا را غارت می کنند و سودهای کلانی از این وضعیت نابسامان اقتصادی می برند.

رابطه کنفدراسیون های بین المللی با جنبش کارگری فیلیپین

بسیاری از کنفدراسیون های کارگری اروپایی و حتی مرکز امریکایی همبستگی کارگری (سولیداریته سنتر) هم در فیلیپین فعال هستند ولی هیچ کدام از این نهادها نمی توانند تأثیری در روند مبارزات کارگری فیلیپین داشته باشند چرا که گستردگی و پیچیدگی جامعه فیلیپین و نقش جریانات کمونیستی اجازه نمی دهد هیچ کنفدراسیونی از این آب گل آلود ماهی بگیرد. وجود این نهادها به همراه دفتر سازمان جهانی کار امکان سرکوب بیشتر جنبش کارگری را از دولت گرفته است.

پروژه اصلی سولیداریته سنتر در فیلیپین مبارزه با تجارت زنان و کودکان است که این یک پروژه منطقه ای است و از اندونزی شروع می شود و تا بحرین ادامه دارد. (۴۲)

طرح اصلی این پروژه از ILO است و بسیاری از کشورهای اروپایی نیز در این نوع پروژه ها همکاری می کنند. ولی بزرگترین بخش فعالیت های بین المللی در رابطه با فیلیپین از طرف کشورهای اسکاندیناوی است. به طور مشخص اتحادیه های فنلاند، دانمارک و اکثر فدراسیون های جهانی یا دفتر دارند و یا پروژه، مانند فدراسیون جهانی کارگران ساختمانی، فدراسیون جهانی مواد غذایی، فدراسیون جهانی حمل و نقل فدراسیون جهانی پتروشیمی. (۴۳)

نحوه مقابله دولت فیلیپین با جنبش رو به اعتلای کارگری

در طول سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶، در دوره زمامداری آرویا، رشد مبارزات کارگری علیه سیاست های اقتصادی آن چنان پیش رفت که دولت دست به سرکوب های وسیعی زد.

اخراج فعالان و به زندان انداختن آنها از متداول ترین روش ها برای کنترل اعتراضات کارگری بود. ادگار بیلیون رئیس سندیکای راه آهن در اوایل دهه ۲۰۰۰، برای مبارزه با خصوصی سازی اخراج شد و پرونده اش تا سال ۲۰۰۸ در دادگاه باز بود. حتی زمانی که دادگاه رأی به بازگشت او داد، راه آهن از پذیرفتن او به محیط کار جلوگیری کرد. او در تمامی سال هایی که بیکار بود، از اولین ساعت باز شدن ایستگاه راه آهن با تهیه و فروش ساندویچ به کارگران راه آهن به معاش خود ادامه می داد و یکی از شناخته شده ترین فعالین کارگری آسیا است که در ساختن جنبش کارگری این کشور نقش به سزایی داشته است. (۴۴)

طبق اسناد موجود بیش از چهار صد نفر از فعالین کارگری مفقود و یا کشته شدند. این جوخه های مرگ از طرف دولت امریکا حمایت می شدند. جیمز پتراس در گزارش مفصلی به آن پرداخته است.

در این گزارش آمده است یکی از این قتل عام ها در اواخر ماه نوامبر ۲۰۰۵ رخ داد، زمانی که ۴۷ دهقانان و نمایندگان حقوقی آن ها يك نشست عمومی داشتند توسط سربازان محاصره و در این حمله ۹ دهقانان کشته، ۱۸ نفر ناپدید و تعداد بیشتری دستگیری شدند. قربانیان از اعضای انجمن ملی کشاورزان، نانوگرم و همچنین رهبران Agta، Igorot و مورو بودند. مانند تمام موارد دیگر، هیچ یک از عاملان آن مجازات نشدند و هیچ گزارش رسمی در این مورد منتشر نشد...

کارگران و رهبران کارگری، بزرگترین گروه این قربانیان ترور (حداقل ۱۸) را تشکیل می دهند که از اعضای فدراسیون ملی کار، جنبش ماه مه اول، کانون صنفی کارگری نستله، فدراسیون Negros از کارگران قند، از رهبران دو اتحادیه ی کارمندان شرکت برق و اتوبوس رانی بودند. فیلیپین از سال ۲۰۰۳، پس از عراق دومین کشور خطرناک برای روزنامه نگاران شناخته شده است. (۴۵)

نقد جنبش کارگری فیلیپین

در بالا تا حدودی جنبش کارگری فیلیپین، از ابتدای برقراری حکومت نظامی تا برپایی دیکتاتوری اقتصادی بررسی شد. نگاه های متعصبانه، خودمحورگرایانه و فرقه گرایی یکی از آفت های جنبش کارگری و اصولاً هر جنبش اجتماعی است. جنبش کارگری فیلیپین نیز این قاعده مستثنی نیست و بیش از سه دهه گرفتار آن بوده است و اگر درایت بسیاری از رهبران کارگری فیلیپین نبود، شاید خسارت جبران ناپذیری به جنبش کارگری فیلیپین می زد. با اینکه رژیم آریویا به درستی از این درگیری ها آگاه است و توانسته از آن بسیار استفاده کند، اما هوشیاری نهادهای درگیر سبب شده که تا حد امکان از بیشتر شدن این ضربات به جنبش کارگری جلوگیری شود.

بسیست سال دیکتاتوری و فضای بسته و ساختار فرهنگی تشکل های سیاسی غیرعلنی که متناسب با این شرایط فعالیت می کردند، بر مبارزات جنبش کارگری فیلیپین سایه افکنده است. اکنون در این دوره که فضای اجتماعی و سیاسی در فیلیپین باز شده و امکان فعالیت های علنی فراهم شده است، اجتماعی و کارگری هنوز هم نمی توانند از آن حصار فرهنگی نظم نظامی خارج شوند. شاید بهتر باشد چنین گفته شود که اعتمادی به ادامه ی چنین شرایطی ندارد، اعتمادی که لازمه تغییر شیوه های کار است. بخشی از این فعالان سیاسی آن دوره که مهاجرت کرده اند، هنوز با جنبش کارگری فیلیپین در ارتباط هستند و بر یاران خود تأثیر می گذارند، هر دو بخش به یکدیگر اعتماد دارند و با کمک های مادی و تبلیغاتی، همبستگی شان را حفظ کرده اند و این گسست بسیار سخت است، به خصوص که از پشتوانه ی ایدئولوژیکی

برخوردار است.

نهادهای مستقل کارگری در فیلیپین از درون نهادهای سیاسی دوران سرکوب شکل گرفتند. بسیاری از موسسین نهادهای کارگری سابقه فعالیت در تشکل‌هایی را دارند که گاه از جریان‌های چریکی می‌آیند. اینها نمی‌توانند به هم انتقاد کنند چرا که باید به نقد ایدئولوژیکی نظرات هم بپردازند. در این صورت دیدگاه نظری و وابستگی‌های سیاسی‌شان مشخص می‌شود. این موضوعی است که پیچیدگی کار را دو چندان می‌کند. این مساله به حدی مهم و حیاتی است که بسیاری از فعالان به خاطر نگرانی از وضعیت‌شان، محترمانه از مبارزات کارگری کناره‌گیری کردند.

جنبش اول ماه می در زمینه‌های زیادی موفق عمل کرده و رشد زیادی داشته است، اما گاهی در برخورد با نهادهای دیگر فرقه‌گرایانه عمل می‌کند و در مقالات منتشره در سایت‌شان با نهادهای دیگر بعضاً غیردوستانه برخورد می‌کند. هر چند جنبش اول ماه می در جامعه به رادیکالیسم چپ در عرصه کارگری معروف است، اما در عین حال سیاست پارلمانتاریسم و شرکت در انتخابات و فعالیت‌های قانونی را پذیرفته، هر چند هیچگاه این گروه مورد قبول دولت قرار نگرفته است. به همین جهت نتوانسته روابط درستی با دیگر نهادها بدست آورد چرا که نقش در اساس بر تاکتیک آن‌ها بوده نه استراتژی و در عمل خودش تا حد زیادی در رابطه با دولت راست روانه عمل کرده است. اختلاف میان گروه‌های کارگری زیاد است و این مساله باعث شده تا سرمایه‌داری و نهادهای قدرت بیشترین استفاده را از آن ببرند. در برخی زمینه‌ها این اختلافات بسیار شدید می‌شوند مثلاً حزب کمونیست فیلیپین که رابطه بسیار نزدیکی با جنبش اول ماه می دارد در اطلاعیه‌ای ترک کشور یا مرگ را برای والدین بالو رهبر حزب بایان خواستار می‌شود (حزب بایان از متحدین جنبش اول ماه می است) و این اختلاف در حدی جدی شد که در این رابطه چپ جهانی دخالت کرد و این خواست حزب کمونیست فیلیپین را محکوم کرد. (۴۶)

جنبش اول ماه می با تاسیس چندین نهاد غیردولتی در حاشیه‌ی خود و گرفتن کمک مالی بین‌المللی برای فعالیت‌هایش از طریق آنان، کمک این نهادها را جدا از فعالیت خودش نشان می‌دهد، اما بعضاً به ارتباطات بین‌المللی سایر گروه‌ها انگ و وابستگی می‌زند و بعضاً دیگران را با انگ‌هایی مانند فرامیست و غیره تخریب می‌کند. این شیوه‌ی برخورد سبب شده که نسل جوان از فعالیت منسجم دوری کند. بسیاری از نهادها و اتحادیه‌های کارگری مستقل با درایت عمل کرده و با سکوت از کنار این نهاد و برخوردهای فرقه‌گرایانه KMU می‌گذرند و به جای صرف انرژی برای توضیح به دیگران و اثبات خود، در عمل نهادشان را معرفی می‌کنند.

نسل جدید مبارزان کارگری با نسل دیروز مبارزان کارگری جامعه فیلیپین دیگر آن چنان همدلی ندارند و برایشان مهم نیست که جنبش اول ماه می و یاران خارج از کشور آنها چگونه عمل‌کردشان را بررسی می‌کنند. این نسل جدید مبارزان در بخش مواد غذایی، کشاورزی، دستفروشان و کارکنان هتل به کار کارگری می‌پردازند و در چند سال گذشته بسیار پرکار بوده و چه در عرصه آموزش و چه در عرصه متشکل کردن کارگران و پیشرفت‌هایی داشته‌اند که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها در بخش کارگران غیربومی است.

نهاد اول ماه می نمی‌تواند تغییراتی را ببیند که در سطح جامعه رخ داده است. آنها نمی‌خواهند بپذیرند که در جایگاه رهبری نیستند و باید قالب‌های جدیدی برای فعالیت در نظر بگیرند.

جنبش اول ماه می با حمایت بی‌چون و چرا از چین و سکوت در مقابل سرکوب جنبش دانشجویی میدان تیان آن من، بسیاری از نیروهای صادق خود را از دست داد و بعد از این همه سال، هنوز هم نتوانسته از این بختک بگریزد.

اگر جنبش اول ماه می با مشی مدل چینی مبارزه کارگری مرزبندی کند و بپذیرد که امروز چین به عنوان کشوری سرمایه‌داری در استعمار کارگران و نیروی کار ارزش‌پذیر طولانی دارد و اقتصاد بسیاری از کشورها را با نابودی روبرو کرده است و همچنین با برخورد به گذشته خود، به نقد عمل‌کردش در رابطه با دیگر نهادهای کارگری و احزاب سیاسی بپردازد و از فرقه‌گرایی فاصله بگیرد، می‌تواند فضای سالمی را در جنبش کارگری بوجود بیاورد.

پیچیدگی نیروی کار و بخش‌های متفاوت جنبش کارگری فیلیپین امروز متشکل کردن نیروی کار را بسیار سخت کرده است زیرا شرایط

اجتماعی جامعه، کارکرد سیاست های غیرانسانی بازار آزاد و فشار کار بیش از حد برای کسب حداقل درآمد، مزدبگیران را هر روز از هم دور می کند. در چنین شرایطی تشکل های فعال کارگری مختلف باید بپذیرند که نمی توانند به تنهایی با بخش عظیم کارگرانی ارتباط بگیرند که امروز در شهرهای بزرگ زندگی می کنند و آنان را سازماندهی کنند و این که هم آهنگی بیشتر میان گروه های مختلف کارگری ضروری است.

زیرنویس ها:

۱- آشنایی با فیلیپین: وسعت جمهوری فیلیپین ۳۰۰ هزار کیلومتر مربع است. فیلیپین مجمع الجزایری است متشکل از ۷ هزار جزیره که تنها ۱۱ جزیره آن مسکونی است. اغلب نقاط این کشور نیز کوهستانی و زلزله خیز است. فیلیپین بالاترین ترین میزان نرخ تولد در آسیا را دارا است. برخی از پیش بینی ها نیز حاکی از آن است که طی سه دهه به احتمال زیاد جمعیت این کشور ۲ برابر خواهد شد. فیلیپین دوازدهمین کشور پرجمعیت دنیا می باشد. فیلیپین به مدت سه دهه مستعمره اسپانیا بوده است و نام خود را از یکی از پادشاهان اسپانیا در قرن شانزدهم گرفته است. این پادشاه فیلیپ دوم نام داشت. در اوائل قرن بیستم و پس از شکست اسپانیا از آمریکا، فیلیپین برای مدت چند دهه توسط آمریکا اداره می شد. اشغال فیلیپین توسط آمریکا تأثیرات متفاوتی بر روی فرهنگ و زندگی مردم داشته است.

مردم به زبان های فیلیپینی و انگلیسی صحبت می کنند و مسیحیت و اسلام از مذاهب رایج در این کشور است. نزدیک به دو پنجم مردم فیلیپین در شهرهای بزرگ مانند مانیل که امکانات شهرنشینی بالای دارد زندگی می کنند و مابقی در شهرهای کوچک و روستاها ساکن هستند. طبق آمار بانک جهانی چهل و سومین اقتصاد مهم ترین منابع طبیعی این کشور چوب، نفت، نیکل، نقره، طلا، نمک، مس، مهمترین محصولات کشاورزی و دامی نیشکر، نارگیل، برنج، ذرت، موز، آناناس، انبه، گوشت، تخم مرغ، ماهی و مهم ترین صنایع آن مونتاژ کالاهای الکترونیک، پوشاک، کفش، محصولات دارویی، مواد شیمیایی، محصولات چوبی، مواد غذایی، پالایش نفت، شیلات است. حجم مبادلات تجاری: ۱۱۲ میلیارد دلار (۵۱ میلیارد دلار صادرات و ۶۱ میلیارد دلار واردات)

http://enncomplex.com/?page_id=163

<http://www.tni.org/article/activists-across-asia-explain-how-eu%E2%80%99s-free-trade-agenda-affects-them-3-labour-rights-phili->

AFL-CIO's Secret War against Developing Country Workers: Solidarity or Sabotage? (Lanham, MD: Lexington Books, 2010) *

http://en.wikipedia.org/wiki/U.S._Naval_Base_Subic_Bay#Philippine-American_War

Dilemmas of Domination, The Unmaske of the American Empire – Walden Bello Metropolitan Books 2005

(Kilusang Mayo Uno, or May First Labour Movement

۲- http://en.wikipedia.org/wiki/U.S._Naval_Base_Subic_Bay

۳- http://en.wikipedia.org/wiki/U.S._Naval_Base_Subic_Bay

۴- http://en.wikipedia.org/wiki/Special_economic_zone#List_of_SEZs_in_the_Philippines

۵- http://www.dof.gov.ph/?page_id=1318(

۶- <http://www.skyinet.net/~courage/position/private1.htm> (

۷- <http://www.global-arena.com/en/Location-Directory/Asia/South-Eastern-Asia/Philippines/philippine-economic-zone/>

۸- <http://www.philippine-history.org/>

۹- گفتگوی زارا مجیدپور با نینوتچکا روسکا، روزنامه نگار و فمینیست فیلیپینی ۲۵ فروردین ۱۳۸۹

http://zara-majidpour.blogspot.de/2010/04/blog-post_17.html

۱۰- http://www.iran-zanan.com/women_studies/cat_19/002399.php?q=save

۱۱- <http://www.alighapo.com/post-10.aspx>

- ۱۲- <http://hanafimohamad.blogfa.com/cat-16.aspx>
- ۱۳- <http://www.ausaid.gov.au/publications/focus/focuspdfs/childlbr.pdf>
- ۱۴- <http://zanestan.es/issue10/06,08,24,11,45,48>
- ۱۵- http://zara-majidpour.blogspot.de/2010/04/blog-post_17.html
- ۱۶- <http://www.humantrafficking.org/countries/philippines>
- ۱۷- http://zara-majidpour.blogspot.de/2010/04/blog-post_17.html
- ۱۸- http://www.ravandno.net/Do_art_print.php?aid=30
- <http://irna.ir/NewsShow.aspx?NID=30475562>

۱۹ - وضعیت کارگران خارجی در کردستان عراق شرم آور است - مایکل کمبر- نیویورک تایمز-ترجمه: فرح طاهری

۲۰- کنفرانس کسی غیر قانونی نیست- یدی محمودی -

www.hambastegi.org/farsi/maqalat/ham187-YadiM.htm

- ۲۱- <http://businessaccent.com/2009/10/18/philippine-labor-laws-that-employers-must-know>
- ۲۲- <http://www.kittelsoncarpo.com/philippines-labor-employment/termination-of-employment/>
- ۲۳- the Union Obrera Democratica (UOD)
- ۲۴- http://ro.uow.edu.au/cgi/viewcontent.cgi?article=1005&context=unity&sei-redir=1&referer=http%3A%2F%2Fwww.google.ca%2Furl%3Fsa%3Dt%26rct%3Dj%26q%3Dchurch%2520support%2520labour%2520movement%2520in%2520philippine%26source%3Dweb%26cd%3D4%26ved%3D0CDUQFjAD%26url%3Dhttp%253A%252F%252Fro.uow.edu.au%252Fcgi%252Fviewcontent.cgi%253Farticle%253D1005%2526context%253Dunity%26ei%3DOPzTpL8LsTq0gHF1cm-Ag%26usg%3DAFQjCNGk3UhHx2S4uNqOjAAXWMsWSay_0Q#search=%22church%20support%20labour%20movement%20philippine%22
- ۲۵ - The Collective Labor Movement (CLM)
- ۲۶- the Confederate Worker's Alliance (Communist Wing) and the National Federation of Labor (conservative wing).
- ۲۷- <http://survey07.ituc-csi.org/getcountry.php?IDCountry=PHL&IDLang=EN>

۲۸- شناخت جنبش های جدید کارگری در جهان سوم، کیم سایپس، نسرین ابراهیمی

- ۲۹- http://en.wikipedia.org/wiki/Crispin_Beltran
- ۳۰- <http://www.kilusangmayouno.org/>
- ۳۱- the Union Impresores y Litografos de Filipinas in 1892 and the Congress of Labor Organizations (CLO) of the 1950's
- ۳۲- Citizens' Action Party - Akbayan
- ۳۳- http://www.docstoc.com/docs/6245661/Tiananmen_Square_protests_of_1989
- ۳۴- The Alliance for Progressive Labor(APL)
- ۳۵- The Association of Southeast Asian Nations, or ASEAN
- <http://www.aseansec.org/1217.htm><http://www.apl.org.ph/>
- ۳۶- <http://www.apl.org.ph/?s=May+day>
- ۳۷- Kilusang Magbubukid ng Pilipinas (Peasant Movement of the Philippines)
- ۳۸- <http://kilusangmagbubukid.weebly.com/about.html>
- ۳۹- Workers Assistance Center (WAC, Philippines)
- ۴۰- <http://www.wacphilippines.com/>

٤١- <http://en.wikipedia.org/wiki/Hukbalahaps>

٤٢- <http://www.solidaritycenter.org/content.asp?contentid=452>

<http://www.trafficking.org.ph/v5/>

٤٣- [http://www.ilo.org/manila/info/public/pr/WCMS_174681/lang—en/index.htm](http://www.ilo.org/manila/info/public/pr/WCMS_174681/lang-en/index.htm)

<http://jobmarketonline.com/popups/view/3579>

٤٤-

http://icls.or.kr/bbs/view.php?id=en_reports&page=1&sn1=&divpage=1&sn=off&ss=on&sc=on&select_arrange=subject&desc=desc

٤٥- <http://www.bulatlat.com/news/6-9/6-9-readerpetras.htm>

٤٦- <http://www.solidarity-us.org/node/64>

